



## پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: احسان قادری، ۱۳۹۴

### بررسی مبانی فقهی احصار و صد در حج

چکیده‌هاژه احصار در لغت به معنای در تنگنا قراردادن و صدّ به معنای منع کردن آمده و در اصطلاح فقهی بازداشتن مُحرّم، از انجام مناسک حج یا عمره است که بر اثر عوامل بیرونی، از قبیل دشمن یا عوامل درونی، مانند بیماری صورت می‌گیرد. از آن‌جا که شخص محرم باید اعمال را کامل کند و در نهایت با تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر یا ناخن و همچنین با طواف نساء از احرام خارج گردد و فرد محصور و مصدود از انجام آن‌ها ناتوان است لذا وضعیت ویژه‌ای برای او پدید آمده و احکام خاصی دارد. گروهی از فقها میان دو اصطلاح «احصار» و «صدّ» تفکیک می‌کنند؛ آنان احصار را در خصوص مانع درونی، مانند بیماری و صدّ را در خصوص موانع بیرونی، مانند جلوگیری دشمن به کار می‌برند و در احکام میان آن دو فرق گذاشته شده است؛ در فقه مسائل متعددی درباره احصار و صدّ مطرح شده است. شخصی که بر اثر احصار و صدّ از ادامه حج باز می‌ماند، از احرام خارج و به اصطلاح «مُحِلّ» می‌شود؛ با این تفاوت که مصدود، از هر نظر از احرام خارج می‌شود؛ ولی محصور نسبت به همه چیز به جز زن، از احرام خارج می‌شود. آن دو برای خروج از احرام قربانی و حلق یا تقصیر (سر تراشیدن یا ناخن گرفتن) می‌کنند؛ فقهای شیعه معتقدند که مصدود باید در همان جا که از ادامه حج یا عمره توسط دشمن بازمانده، قربانی کند؛ هر چند آن مکان خارج از حرم باشد؛ سپس با حلق یا تقصیر از احرام خارج شود. لیکن محصور باید برای قربانی کردن نایب بگیرد و در صورتی که احصار در عمره [مفرده] صورت گرفته باشد، نایب قربانی او را به مکه ببرد و ذبح کند و با نایب وعده زمان قربانی کردن را بگذارد. هنگام وعده که فرا رسید شخص بیمار تقصیر کند (مو یا ناخن بگیرد) و از احرام خارج شود و اگر احصار در حج صورت گرفته نایب قربانی را به منا ببرد و در روز عید قربان آن را ذبح کند. همچنین برای محصور در حج واجب، به نظر مشهور فقیهان، به استناد روایات، با ذبح قربانی و حلق یا تقصیر، همه محرّمات احرام جز کامیابی جنسی حلال می‌شود و تحلل در این زمینه منوط بر انجام دادن مناسک در سال آینده است. در حج مستحب، تحلل کامیابی جنسی، منوط به آن است که شخصی دیگر به نیابت از محصور، طواف نساء را به جا آورد

چکیده‌هاژه احصار در لغت به معنای در تنگنا قراردادن و صدّ به معنای منع کردن آمده و در اصطلاح فقهی بازداشتن مُحرّم، از انجام مناسک حج یا عمره است که بر اثر عوامل بیرونی، از قبیل دشمن یا عوامل درونی، مانند بیماری صورت می‌گیرد. از آن‌جا که شخص محرم باید اعمال را کامل کند و در نهایت با تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر یا ناخن و همچنین با طواف نساء از احرام خارج گردد و فرد محصور و مصدود از انجام آن‌ها ناتوان است لذا وضعیت ویژه‌ای برای او پدید آمده و احکام خاصی دارد. گروهی از فقها میان دو اصطلاح «احصار» و «صدّ» تفکیک می‌کنند؛ آنان احصار را در خصوص مانع درونی، مانند بیماری و صدّ را در خصوص موانع بیرونی، مانند جلوگیری دشمن به کار می‌برند و در احکام میان آن دو فرق گذاشته شده است؛ در فقه مسائل متعددی درباره احصار و صدّ مطرح شده است. شخصی که بر اثر احصار و صدّ از ادامه حج باز می‌ماند، از احرام خارج و به اصطلاح «مُحِلّ» می‌شود؛ با این تفاوت که مصدود، از هر



نظر از احرام خارج می‌شود؛ ولی محصور نسبت به همه چیز به جز زن، از احرام خارج می‌شود. آن دو برای خروج از احرام قربانی و حلق یا تقصیر (سرتراشیدن یا ناخن گرفتن) می‌کنند؛ فقهای شیعه معتقدند که مصدود باید در همان جا که از ادامه حج یا عمره توسط دشمن بازمانده، قربانی کند؛ هرچند آن مکان خارج از حرم باشد؛ سپس با حلق یا تقصیر از احرام خارج شود. لیکن محصور باید برای قربانی کردن نایب بگیرد و در صورتی که احصار در عمره [مفرده] صورت گرفته باشد، نایب قربانی او را به مکه ببرد و ذبح کند و با نایب وعده زمان قربانی کردن را بگذارد. هنگام وعده که فرا رسید شخص بیمار تقصیر کند (مو یا ناخن بگیرد) و از احرام خارج شود و اگر احصار در حج صورت گرفته نایب قربانی را به منا ببرد و در روز عید قربان آن را ذبح کند. همچنین برای محصور در حج واجب، به نظر مشهور فقیهان، به استناد روایات، با ذبح قربانی و حلق یا تقصیر، همه محرمات احرام جز کامیابی جنسی حلال می‌شود و تحلل در این زمینه منوط بر انجام دادن مناسک در سال آینده است. در حج مستحب، تحلل کامیابی جنسی، منوط به آن است که شخصی دیگر به نیابت از محصور، طواف نساء را به جا آورد

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۰۴۰۷۹۳۲۰۲۱

تاریخ دفاع: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲

رشته‌ی تحصیلی: الهیات و معارف اسلامی

دانشکده: علوم انسانی

استاد راهنما: دکتر سیدجواد خاتمی سبزواری

## **M.A. Thesis:**

### juridical basis of skiness and for biddance in haj

#### Abstract

The term Ahsar means under constrained and Sadd means to prohibit. In terms of Figh it means to prevent the Muhrem to do the ritual of Hajj or umra which is caused by external factors such as enemy or internal factors such as illness. Since a muhrem person must complete his or her doings and confidential finally by shaving the hair or cutting the nail and also by Tawaf of Nisa Leavs Ihram. Since a Mahsur or Masdud person is incapable of doing so; there are special situations and specific provisions. A group of scholars segregate between two terms of Ahsar and sadd. they use Ahsar for internal barrier such as illness and sad for external barrier such as enemy prevention and there is a difference between these two subjects in rules; In Figh several issues have been raised about Ahsar and Sadd; A person who is prohibited from Hajj doings by Ahsar and Sadd; exit the Ihram which is literally said Mohel; The difference is that Masdud exits Ihram in every aspect but Mahsur exits Ihram in every aspect except woman. Both of them victimize and cut the hair or nail. The shia scholars believe that Mahsur must sacrifice where (s) he has been prevented from Hajj or umra by enemy. Although the place is out of sanctuary, they exit Eham by Halgh or Taghsir. Nevertheless, Mahsur should have an assistant for sacri



## سامانه‌ی جستجو در پایان‌نامه‌ها

---

fyng and if Ehsar has been in umra Mofradeh , the assistant must take the sacrifice to Mecca and Kill it and there must be an agreement with the assistant. At the time of agreement the sick person should cut the hair or nail and exits Ihram. If Ehsar has occurred in hajj the assistant must take the victim to Mecca and Kill it at the Ide Ghorban